

زیانکارانی که خود را برنده می دانند!



«به یاد داشته باشید که اسلام سیاسی اسلام نیست، بل یک مکتب فکری است، اسلام تندرو؛ اسلام نیست، بل یک مکتب فکری است و هراس افگنی تا اندازه تفسیرش را ازین دو مکتب می گیرد و مرکز این سه عنصر، امروزه در پاکستان است.»

این سخنی بود که امر الله صالح رئیس پیشین امنیت ملی افغانستان روز جمعه ۲۳ سرطان در چهارمین نشست گفت و گویای افغانستان و آسیای میانه که در مرکز بامیان با اشتراک نمایندگان بیش از ده کشور آسیایی و اروپایی، امریکا، سازمان ملل متحد و ناتو با کمال بی باکی علیه اسلام و امت اسلام ابراز داشت.

امرالله صالح راست گفت، درحالی که از جمله دروغگویان است. زیرا سیاست در اسلام مانند سیاستی که خودش، پاکستان، امریکا و پدر سیاسی شان ماکیاولی تعریف کرده، در اسلام جایی ندارد. اسلام دینی است که بر رسول الله صلی الله علیه وسلم از سوی خالق انسان، کاینات و زندگی نازل شده است، که از بستر خواب با همسر تا روابط بین ملت ها، همه امور بشر را در تمام عرصه های زندگی تنظیم کرده است. در اسلام محمد صلی الله علیه وسلم سیاست ماکیاولی، تندروی و هراس افگنی وجود ندارد و منابع آن هم پاکستان، امریکا و اروپا نه، بلکه قرآن، سنت، اجماع اصحاب و قیاس می باشد.

امرالله صالح درحالی که چنین الفاظ بی باکانه لب می گشاید که جنگ امریکا و ناتو علیه اسلام و مسلمین در منطقه زیانه می کشد و هر آجندای مسلمانان که منافع امریکا و ناتو را در منطقه عملاً تهدید نماید هراس افگنی؛ و هر مفکوره ای که منافع آنان را به دراز مدت تهدید کند تندروی نامیده می شود و علیه آن به اسالیب مختلف ترور و وحشت صلیبی اقدام می گردد، که گفته های اخیر این جاسوس هم جز پروپاگندای مزدوران امریکا علیه اسلام و مسلمانان چیزی دیگری نیست.

امرالله صالح دقیقاً حقیقت سیاسی اسلام را درک می کند، اما وی می خواهد از طریق این چنین اظهارات پوچ در پروسه زعیم سازی کفار در سرزمین های اسلامی به خود راه بگشاید، درحالی که وی بیشتر از یک دهه برای امریکای اشغالگر خدمات استخباراتی و امنیتی را فراهم کرد و تاکنون نیز به سایر دستگاه های استخباراتی غربی خدمات ارائه می کند، ولی باوجود این، باز هم به حاشیه رانده شده است. اکنون می خواهد تمام داشته های نفاق و عداوت خود با اسلام را از شکم بیرون و در معرض دید بادارانش قرار دهد تا یک بار دیگر برایش فرصت خدمت دهند.

این در حالیست که قبل از وی ما در یک و نیم قرن اخیر مزدوران مخلص و قوی تری نسبت به وی مانند مصطفی کمال اتاترک، جمال ناصر، معمر قذافی، حافظ و بشار اسد، مشرف و... شاهد بودیم که بعد از ادای ماموریت به زیاله دانی تاریخ رهسپار گردیدند. برای او تا هنوز هم فرصت عبرت و توبه هست و تنها عاقلان می توانند از آن استفاده کنند.

امرالله صالح باید درک کند که "پولیتیک" ماکیاولی را بر "سیاست" اسلام قیاس نکند، زیرا سیاست اسلامی وظیفه انبیاء و سپس خلفاء است. قسمی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این حدیث به ما چنین بیان نموده است:

كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ، كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. وَسَتَكُونُ خُلَفَاءُ فَتَكْتُرُ، قَالُوا: فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ: فُوا بِبَيْعَةِ الْأَوَّلِ فَاَلَّوْلِ، وَأَعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ. فَإِنَّ اللَّهَ سَائِلُهُمْ عَمَّا اسْتَرَعَاهُمْ (رواه مسلم)

ترجمه: بنی اسرائیل را پیامبران سیاست (رهبری) می کردند، و هرگاه پیامبری وفات می کرد به جای وی پیامبر دیگری جانشین می شد، ولی بعد از من دیگر پیامبری وجود نخواهد داشت، بلکه خلفاء می باشند و بسیار زیاد می شوند. ایشان فرمودند: پس در آن حال به ما چه فرمان می دهی؟ پیامبر گفت: با بیعت نخست سپس نخست وفا کنید، و حق آنان را ادا نمایید، و الله سبحانه و تعالی از آنان در باره آن چه ایشان را بر آن گماشته پرسیان خواهد کرد.

از همین رو سیاست در اسلام سرپرستی امور زندگی بشر بر اساس افکار و احکام اسلام است، اما پولیتیک کفار هنر کسب، حفظ و اعمال قدرت می باشد، عملی که در اسلام قطعاً حرام گردیده است.

خطر چنین اظهارات اصلاً برای اسلام متصور نیست، اما درین عصر انحطاط فکری، افرادی زیادی ساده لوح هستند که مخلصانه از چنین اظهارات رویبضات (احمق ها) متأثر و بالاخره گمراه می گردند. آنان باید درک کنند که بنیادی ترین هم و غم این پاره سرایان اسلام ستیز و کفر پرور بدست آوردن مناصب و پول اند، از این رو در بعضی از فرصت ها به چنین اظهارات عجیب و غریب متوسل می گردند که آخرین مثال آنان محمد محق بوده که توسط چنین پاره سرایی ها خود را به مقام مشاوریت رییس جمهور جان گیری در عرصه فرهنگی-اجتماعی رساند.

این همان دعوتگران به سوی جهنم هستند که رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث حذیفه بن الیمان از آنان به ما هشدار داده است و گفته: «... دَعَا عَلَى أَبْوَابِ جَهَنَّمَ مَنْ أَجَابَهُمْ إِلَيْهَا قَذَفُوهُ فِيهَا، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَفْهُمْ لَنَا، قَالَ: هُمْ مِنْ جَلْدَتِنَا، وَيَتَكَلَّمُونَ بِالْأَسْنَتِنَا...» (رواه البخاری) "داعیانی خواهند بود بر دروازه های دوزخ که هر کس دعوت شان را بدان سو پذیرفت وی را در آن می افکنند گفتیم: یا رسول الله وصف آنان را به ما بیان کن، فرمودند: آنان از جنس ما بوده به زبان ما حرف می زنند."

در اخیر هم این قول الله سبحانه و تعالی را مصداق اعمال وی و امثالش تذکر می دهم که می فرماید:

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۳) الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۴)

[سوره كهف]

ترجمه: (ای پیغمبر!) بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازم؟ آنان کسانی اند که تلاش و تکاپو شان (به سبب تباهی عقیده و باورشان) در زندگی دنیا هدر می رود (و بی سود می شود) و خود گمان می برند که به بهترین وجه کار نیک می کنند (طاعت، عبادت و سیاست پلید شان موجب رستگاری شان می شود).

سیف الله مستنیر

رئیس دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه افغانستان